

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.314100.2604>

A Salafi refers to a group of Sunni Muslims who adhere to the religion of Islam and consider themselves followers of the righteous Salaf and in their actions and beliefs follow the Prophet of Islam, his companions and followers. The Salafis consider only the Qur'an and Sunnah as the sources of their rulings and decisions. Salafism has two main pillars: one is the return to the way of life and ideology of the righteous Salaf and finally the Sunnah of the Hijaz and especially the Sunnah of Medina 1400 years ago, and the second is the struggle against heresy, that is, everything that the Salafis consider new and contrary to tradition. Regarding Islam based on neo-Salafism, it should be acknowledged that neo-Salafism is based on new approaches in terms of principles and methods, and its emphasis is more on theological beliefs. And its founder is Ibn Taymiyyah Harrani. Now that the new Salafist current has come to power, a commitment to the former and traditional Salafist beliefs has undergone numerous changes and transformations. In a way that the neo-Salafis follow different methods in dealing with the theological and doctrinal ideas of the former Salafis.

ابراهیم معصومی^۱

سعید اسلامی^۲

کمال پولادی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۷

چکیده

سلفی به گروهی از مسلمانان اهل سنت گفته می‌شود که به دین اسلام تمسک جسته و خود را پیرو سلف صالح می‌دانند و در عمل و اعتقادات خود از پیامبر اسلام، صحابه و تابعین تبعیت می‌کنند. سلفی‌ها تنها قرآن و سنت را منابع احکام و تصمیمات خود می‌دانند. سلفی‌گری دو رکن اساسی دارد: یکی بازگشت به شیوه زندگی و مرام سلف صالح و در نهایت سنت حجاز و به خصوص سنت اهل مدینه در ۱۴۰۰ سال پیش، و دوم مبارزه با بدعت، یعنی هر چیزی که سلفی‌ها جدید و خلاف سنت می‌دانند. در خصوص اسلام مبتنی بر نو سلفیه نیز باید اذعان داشت سلفیه نو مبتنی رویکرد هایی نو در راستای مبانی و روش‌ها می‌باشد و تاکید آن بیشتر بر موارد اعتقادی بر کلامی است. و موسس آن ابن تیمیه حرانی می‌باشد. هم‌اکنون که جریان نو سلفیه روی کار آمده است تعهداتی از اعتقادات سلفیه سابق و سنتی دستخوش تغییرات و دگرگونی‌های متعددی شده است. به شکلی که نوسلفیان در برخورد با اندیشه‌های کلامی و اعتقادی سلفیه سابق، روش‌های مختلفی را دنبال می‌نمایند

واژگان کلیدی: اسلامی سیاسی، امامت، نو سلفیه، خلافت.

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی علوم سیاسی گرایش اندیشه سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد چالوس، چالوس، ایران.

Ebrahimmasoumi1400@yahoo.com

^۲ دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس، چالوس، مازندران، ایران.

eslameesaed44@gmail.com

^۳ استادیار علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس، چالوس، مازندران، ایران.

Kamal-pouladi@gmail.com

در خصوص اسلام سیاسی شیعی مبتنی بر امامت باید اذعان داشت میان بسیاری از باورهای کلامی و جهت گیری ها و مناسبات اجتماعی و سیاسی در تاریخ اسلام، رابطه ای انکارپذیر یافت می شود. بر همین اساس، ائمه (ع) در طول دوره حدود ۲۵۰ سال حضور خود در میان مردم و در شرایطی که فاقد ابزار معمول و اهرم متعارف اعمال قدرت و حاکمیت - از جمله قدرت سیاسی و نظامی - بودند، با عرضه نظریه «امامت منصوص» به جای مدل رایج امارت و خلافت در جامعه اسلامی و در قالب یک جهت گیری کلامی، زمینه تعمیق نفوذ و گسترش اثربخشی و اقتدار خود را در عرصه مناسبات اجتماعی و سیاسی فراهم نمودند. که بر آنیم تا در این راستا بر نظریه پارسونز در باب ارجاع قدرت به اقتدار مبتنی بر مشروعیت استوار است تاکید داریم که، تلاش می کند چگونگی تاثیر اصل امامت در کلام شیعه - از راهی غیر از توسعه قدرت سیاسی و نظامی - بر مناسبات اجتماعی و معادلات سیاسی آن روزگار را که به شکل گیری مدل جدیدی از اقتدار انجامید و در نتیجه آن، ائمه به جدی ترین خطر برای حاکمیت دستگاه های سیاسی معاصر خود تبدیل شدند، تبیین کند در واقع دولت در جامعه اسلامی، همانند دیگر جوامع بشری، نه تنها بیانگر وجود مجموعه ای از نهادهاست، بلکه حاکی از وجود نگرش ها و شیوه های خاصی از اعمال و رفتار است که منحصرآ مدنیت اسلامی خوانده شده و در واقع جزئی از تمدن اسلامی محسوب می شود. متعاقبا در خصوص اسلام سیاسی مبتنی بر نو سلفیه نیز به صوت مقایسه ای باید اذعان داریم سلفی ها گروهی از مسلمانان تندرو از اهل سنت هستند که عقاید و باورهایی انحرافی از اسلام دارند. در این میان، جریانی خشونت طلب و رادیکال به نام داعش، در مدتی کوتاه توانسته است به بخش هایی از سوریه و عراق تسلط یافته، در کانون تحولات سیاسی بین المللی قرار گیرد. رهبر آن ها خود را خلیفه مسلمانان خوانده و از دیگر مسلمانان خواسته شده است که از آن ها پیروی کنند؛ در این راستا باید اذعان داشت خلافت، اصلی ترین مؤلفه فرهنگ سیاسی داعش است. همچنین از نگاه آنان جهاد ابزار تحقق خلافت بوده و به شکل های مختلف آن علیه گروه های مخالف مسلمان و غیرمسلمان ممکن است به برپایی حکومت اسلامی کمک کند. انجام عملیات تروریستی توسط این گروه، با توجه به نگرش آنان به جهاد و شهادت، اجرای شریعت و تشکیل حکومت اسلامی توجیه می شود. مبانی فکری سلفیه تکفیری، پیش فرض هایی است که اقدامات و دیدگاه گروه بر آن استوار می باشد. مهمترین مبنای فقهی - سیاسی این جریان احیای خلافت اسلامی با الگوبرداری از مدل خلافت خلفای راشدین است. اینان هر نظام سیاسی در قالبی غیر از خلافت را برنتابیده و با تقسیم جوامع به دارالایمان و دارالکفر، همه جوامع امروزی را جوامع جاهلی قلمداد می کنند. حال آنکه این دیدگاه، هم باعث افول جایگاه خلافت و توسعه تکفیر بی ضابطه مسلمانان شده است و هم راه اندازی این شیوه باید با راه کارهای خاص و با ایجاد شرایط و اقدامات لازم همراه باشد. از دیدگاه سلفیه تکفیری یکی از وظایف مهم مسلمانان در برابر دارالاسلام، ضرورت مهاجرت به آن به عنوان واجب کفایی است لیکن طبق آیات و سنت نبوی وجه وجوب هجرت، دستیابی به مکانی است که بتوان در آن، خداوند را بندگی و به وظایف خویش عمل کرد. لذا با توجه به موارد بیان شده در سطور فوق و با توجه به کثرت مطالب در این خصوص در پژوهش حاضر و در اثنای فصول رساله بر آنیم تا به طور جامع و کامل تری به بررسی موضوع حاضر بپردازیم و از زوایای مختلف آن به صورت مفصل تری بحث نماییم.

مفهوم اسلام سیاسی

اسلام در مفهوم جدید محصول دوران مدرن و تحت عنوان «اسلام سیاسی» صورت بندی شده است که در مقابل اسلام سنتی قرار می‌گیرد. اسلام سنتی، دین را به حوزه امور فردی و عبادی محدود می‌دانست و علی-رغم تعریف جامع دنیوی و اخروی از دین عملاً در کار سلطان دخالتی نداشت و کار ویژه او توجیه و مشروعیت بخشی دینی به سلطان بود. دین در مدرنیته غرب از امور عرفی و دنیوی منفک شد و اداره جوامع مبتنی بر عقل خود بنیان و مشورتی گردید. اما، در جوامع اسلامی جریان سکولاریستی و کمالیستی متجددین و روشنفکران غرب‌گرا در فرایندی پارادوکسیکال موجب ظهور اسلام سیاسی شد. اسلام سیاسی از تعامل با غرب تا تقابل با غرب و تشکیل حکومت اسلامی تغییر معنایی داشته است. هرچند اسلام سیاسی در ایران معاصر رنگ و بوی لیبرالی و مارکسیستی هم به خود گرفت. اما، این قرائت «اسلام فقهاتی» به رهبری امام خمینی (ره) بود که توانست در انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ش به آرمان تشکیل حکومت اسلامی دست یابد و دموکراسی دینی را به صورتی الهام بخش به اجرا بگذارد. در تعریفی دیگر باید اذعان داشت اسلام سیاسی اصطلاحی جدید است و به دنیای مدرن تعلق دارد. پیش از غلبه و سیطره مدرنیسم غربی و سیطره آموزه سکولاریسم در جهان، چنین اصطلاحی کاربرد نداشته است. در جهان اسلام، بر اساس تلقی سنتی، اسلام دینی جامع تلقی شده و شامل مباحث سیاسی نیز می‌شد و بر این اساس نیازی به توصیف مجدد و تقیید اسلام به قیدسیاسی نبوده است. با تهاجم همه جانبه غرب به جهان اسلام و شکل‌گیری مقاومت اسلامی در برابر آن و رد آموزه های مدرنیسم غربی و تلاش احیای تمدن اسلامی و بازگرداندن اسلام به عرصه زندگی سیاسی، غربیان برای نابهنجار و ارتجاعی نشان دادن آن از واژگانی چون بنیادگرایی و رادیکالیسم اسلامی استفاده کردند. کاربرد اصطلاح اسلام سیاسی نیز محصول چنین تلاشی بوده است. از دیدگاه مدرنیسم غربی دین از سیاست جدا بوده و در نتیجه هرگونه حضور و دخالت دین در عرصه سیاسی امری نابهنجار، منفی و ارتجاعی تلقی می‌شد.^۱

مفهوم نظام سیاسی مبتنی بر امامت

امامت در نظام سیاسی عبارت از نوعی سلطه است که دایره اش به نسبت مواردش گستردگی و محدودیت دارد، یا امر وضعی است که لازمه اش چنین سلطه ای است. بدین سان ولی انسان نابالغ (صغیر) کسی است که مطابق مصلحت او در امورش تصرف می‌کند. [همچنین] حاکم و ولی یک کشور نیز بر اساس مصلحت و به اقتضای سیاست آن کشور تصرف و عمل می‌کند. در اندیشه امام، حکومت اسلامی، حکومت قانون الهی است. ((پس حاکم اسلامی باید دو صفت داشته باشد که آن دو، اساس حکومت قانونی است و بدون آن دو، حکومت قانونی معقول نیست. یکی از آن صفات علم به قانون [دانش فقه] و دیگری عدالت است. فقیه لازم

^۱ برجی، یعقوب علی. ولایت فقهی. تهران. انتشارات سمت. ۱۳۸۵، ص ۱۱۹.

^۲ پولادی، کمال. تاریخ اندیشه سیاسی در ایران و اسلام. تهران: نشر مرکز. ۱۳۸۵، ص ۲۳.

است در احکام اموری که موضوع ولایت او بوده و در حوزه اقتدار اوست آگاهی کامل داشته باشد. با تکیه بر چنین دیدگاهی است که در اندیشه امام، ((فقه تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تاگور است))؛ اما هرگز لازم نیست که تمام دستگاه فقه در اختیار یک فرد، بنابر این فرد اعلم، باشد، بلکه هر قلمرویی از مسائل و موضوعات فقه می‌تواند تحت ولایت فقهی که عالم به احکام آن حوزه خاص از زندگی انسان و اجتماع است اجرا و اداره شود. از این حیث رهبری سیاسی باید بیش از دیگر حوزه‌ها، اختصاصاً در حوزه فقه سیاسی قدرت تشخیص و استنباط احکام شریعت داشته باشد.

خلافت در نو سلفیه

سلفیت جریانی یک‌دست نیست. اختلافات میان سلفی‌ها آنقدر زیاد است که بعضاً به تکفیر و حتی قتال با یکدیگر نیز می‌رسد. از طرف دیگر همه سلفی‌ها اهل خشونت و ترور و انفجار نیستند. بسیاری از آنها اساساً ورود به عرصه سیاست را تجویز نمی‌کنند و اصلاح عقیدتی را پروژه اصلی خود می‌دانند. همه سلفی‌ها تکفیری هم نیستند. بر مفهوم سلفی و سلفیت هم مانند بقیه مفاهیم علوم انسانی یک سیالیت و یک حالت اجمالی حاکم است. مثل مفهوم آزادی که در هر مکتبی که می‌رویم همه از این واژه استفاده می‌کنند و هر مکتب فلسفی و سیاسی تعریفی خاص از آن دارد. واژه سلفی در طول تاریخ، از دوره احمدبن حنبل تا امروز، مدام تکرار شده و در هر دوره‌ای همه گفته‌اند ما سلفی هستیم. «ما سلف» به لحاظ لفظی یعنی آن چه گذشت. اما به لحاظ اصطلاحی منظور به یک جریان فکری است که باورمند به یک سری اصول است. سنگ بنای سلفیت حدیث «خیرالقرون» است. چون به شما می‌گویم در تاریخ اسلام یک مدلی وجود دارد که آن مدل به لحاظ زیست اجتماعی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و دینی الگوی برتر است. در این حدیث از قول پیامبر «ص» گفته می‌شود که بهترین دوران‌ها زمان من است و زمان بعد از من و زمان بعد از آن، یعنی زمان پیامبر، زمان صحابه و تابعین. این حدیث دوره‌ای در تاریخ اسلام را برجسته و الگو می‌کند. بعد تاریخ اسلام پیش می‌رود و با بحران‌هایی روبرو می‌شود. در هر دوره‌ای ناظر بر آن بحران (این روش اسپیریگنسی است، تحلیل اسپیریگنسی که دارد ناظر بر بحران تحلیل می‌کند) یک جریانی ادعای خیرالقرون را می‌کند. بازگشت به عنوان راه حل و عبور از این بحران. مثلاً در دوره احمد ابن حنبل مسئله اعتزال را داریم. با این جریان فکری اعتزال رویارویی می‌شود و وقتی هم می‌خواهند بگویند چه کنیم، می‌گویند خیرالقرون آن بوده است. جریان رقیب، اعتزال را یک جریان دخیل به تمدن و فکر اسلامی می‌داند و برای مقابله با آن مدل خیرالقرون را پیشنهاد می‌کند. مذهب کلامی شایع آن دوره اهل حدیث با جریان اعتزال به عنوان یک بحران مواجه شدند و اکنون دیگر از آن جریان خبری در تاریخ اسلام نیست.^۱

بررسی اسلام سیاسی مبتنی بر نو سلفیه

پیدایش نو سلفیه

سلفی‌گری جدید، رویکردی متمایز از سلفی‌گری ظاهرگراست که در آغاز قرن بیستم و در واکنش به پیشرفت‌های غرب توسط سید جمال‌الدین اسدآبادی و محمد عبده با هدف آزادسازی امت اسلام از تقلید و

^۱ سعید، بابی. (۱۳۷۹) *هراس بنیادین: اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی*، ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، انتشارات دانشگاه تهران.

جمود و احیای اخلاقی، فرهنگی، و سیاسی بنیان‌گذاری شد. سلفیان بر بازگرداندن تفکر اسلامی به اصل خالص آن، تبعیت از قرآن و سنت، مردود دانستن تفسیرهای جدید، و حفظ اتحاد امت اسلامی تأکید دارند. آنان تقلید را نفی می‌کنند و تلاش می‌کنند سازگاری اسلام و دانش جدید را نشان دهند. مشهورترین گروه‌های الهام گرفته از سلفی‌گری اخوان‌المسلمین و جماعت اسلامی هستند. در اواخر قرن بیستم، این اصطلاح به اصلاح‌گران سنت‌گرا اطلاق می‌گردد.

ایدئولوژی جهادگرایی سلفی الهام‌بخش بسیاری از گروه‌های مسلح مانند القاعده در آغاز قرن ۲۱ بوده است. این گروه‌ها دیدگاه‌های سلفی‌گری علمی (سلفی‌گری سنتی) را رد کرده و خشونت را راهی مناسب و ضروری برای مقابله با حملات غرب علیه اسلام می‌دانند. این گروه‌ها متون اسلامی و تاریخ را بازتفسیر نموده و بر آیات نظامی قرآن و تاریخ نظامی اسلام تأکید بسیار دارند. تخمین زده شده است که سلفی‌های جهادی کمتر از یک درصد کل جمعیت مسلمانان را تشکیل می‌دهند. در اندیشه سلفیه قدیم در عرض دیگر وجوب دینی، به عنوان اقدامات خصمانه علیه کفار، منافقین و مشرکین برای دستیابی به آرمان آنان تعریف می‌شده؛ لیکن نزد نوسلفیه، جهاد، از دیگر عبادت‌ها مانند نماز و روزه و حج مهم تر است. از این نظر نتایج حاصل از این تحول مفهومی، از مفهوم دعوت در سلفیه به جهاد به عنوان اسلام عملی در نوسلفیه و قرار دادن مفهوم توحید در مقابل دو مفهوم بدعت و شرک، بدعت در جوامع مسلمان و شرک در خارج از جوامع اسلامی به صورت مضاعف به بازتولید خشونت هم در درون جوامع مسلمان، خاصه در خاورمیانه و هم در درون جوامع غیرمسلمان، به صورت سه نوع ستیزش واکنشی، ایدئولوژیک علیه جوامع غیرمسلمان و ستیزش فرقه‌ای در درون جوامع اسلامی به قطبی سازی امت اسلامی، ایجاد زمینه برای حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای، تغییر ژئوپلیتیک قدرت در منطقه خاورمیانه و در نگاهی کلی تر تضعیف یکپارچگی جهان اسلام منجر شده است.

جریان‌های نو سلفیه در اسلام سیاسی

در سلفیه معاصر باید به سراغ جایی که به دنیا آمدند برویم. خاستگاه اصلی سلفیه معاصر عربستان سعودی است. و تحولاتی که در این منطقه در دهه‌های گذشته اتفاق افتاده است. اگر بخواهیم بشماریم، محمدبن عبدالوهاب را به عنوان کسی نام‌گذاری کنید که ابتدائاً به عنوان یک جریان سلفی و پیرو ابن تیمیه می‌آید و سرزمین هم در اختیار می‌گیرد، افکارش را پیاده و اجرایی می‌کند و در این بستر جنبش وهابیت به دنیا می‌آید. اینجا سرسلسله شکل‌گیری بسیاری از جریان‌های سلفی معاصر است.

مصر هم به اعتبار اینکه همیشه محل تولید دانش اهل سنت است و الازهر هم آنجا بوده از اهمیت خاصی برخوردار است. بعضی از جریان‌ها حاصل تلفیق این دو جریان از وهابیت و جریانی که از مصر می‌آید هستند.

از داخل جریان سلفی‌البنانی که در عربستان شکل می‌گیرد جریان دیگری به نام سروری‌ها به وجود می‌آید. سروری‌ها حاصل ترکیب اخوان‌المسلمین و سید قطب هستند با جریان سلفی تقلیدی. خودشان می‌گویند عبای سید قطب را بر دوش محمدبن عبدالوهاب انداخته‌اند. تصور خودشان از این جریان این است. زین

^۱ سید نژاد، سید باقر. (۱۳۸۹). «سلفی‌گرایی در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره اول، بهار، مسلسل ۴۷، ص ۲۵۴.

العابدین بن سرور که چند وقت پیش فوت کرد بنیان‌گذار این جریان است. او اخوانی بود، به عربستان آمد و تحت تاثیر آموزه های سلفیه سنتی قرار گرفت.^۱

نو سلفیه مبتنی بر جهاد در اسلام سیاسی

نسل اول سلفیان جهادی که اولویت اولشان مبارزه با کفار است که اول شوروری بود و بعد به امریکا تبدیل شد. چون امریکا در جریان جنگ کویت و عراق به شبه جزیره عربستان آمد. از اینجا اولویت ذهنی بن لادن امریکا شد. سلفی جهادی در بحران بعدی که جهان اسلام را دربرمی گیرد به عراق می رود و آنجا سنگ بنای داعش گذاشته می شود. نسل دوم سلفی های جهادی، داعش است که اولویتشان تغییر می کند. اولویت از نبرد با امریکا چرخش پیدا می کند به نبرد با شیعیان. چون شیعیان حکومت را در عراق به دست می گیرند. آنان چنین استدلال می کنند که مجوس یا رافضیان با صلیبی ها هم پیمان شده اند لذا اولویت و عدو قریب اکنون شیعیان هستند.

سلفیه علمی

جریان دیگری از سلفی ها هست به عنوان سلفی های البانی یا سلفیه علمی. رهبر این ها آقای البانی است که به عنوان یک محدث چارچوب نظری هم برای خودش دارد. معتقد است راه اصلاح، شمشیر و قدرت به دست گرفتن نیست. می گوید در تراث ما اشکالاتی وجود دارد. باید تزکیه و پالایشی در نصوص صورت بگیرد. برای همین به رجال خیلی اهمیت می دهد و شروع می کند به تدوین معاجم حدیثی و حدیث شناسی و کلی هم شاگرد تربیت می کند. می گویند اولویت ما این است که تراث را پالایش کنیم، اگر تراث پالایش شد، دانش در اختیارتان قرار می گیرد که می توانید با آن اصلاحات انجام دهید. برای همین جریان سلفی البانی هم با اخوان المسلمین مشکل دارد هم با سروری ها، و هم با جهادی ها. می گوید تمام این ها راه را به خطا رفته اند. چون هنوز تزکیه انجام ندادند و سنت را پالایش نکردند.^۲

سلفیه عبدالعزيزی

در عربستان سعودی بعد از اینکه عربستان شکل می گیرد و محمد بن عبدالوهاب فوت می کند و بعدی ها می آیند، جریان اخوان التوحید حضور دارد. یک سلفیه داریم که شاید بشود اسمش را سلفیه عبدالعزيزی گذارد. که موسس عربستان سعودی نوین است. الان به کسانی که پیروان محمد بن عبدالوهاب هستند به عنوان وهابی شناخته می شوند. یک مدل سلفیه را می شود توضیح داد تحت عنوان سلفیه تقلیدی. سلفیه سنتی به لحاظ کلامی پیرو ابن تیمیه است. به لحاظ فقهی معمولاً حنبلی مسلک است. اما چند مشخصه دارند: مثلاً در مورد نگاهشان به زنان، نگاه به دموکراسی، نگاه به توسعه مظاهر غربی، نگاه به حوزه سیاست و قدرت. اختلافات در این جاها شکل می گیرد و الا مبانی کلامی و فقهی عمده آنان یکی است. الان در عربستان عمده شیوخ وهابی مثلاً خود آل الشیخ را می شود به عنوان یک سلفی تقلیدی شناسایی کرد.

^۱ هر ایر دکمچیان. (۱۳۹۰) اسلام در انقلاب: جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب (بررسی پدیده بنیاد گرایی در اسلامی)، ترجمه حمید احمدی، تهران: کیهان، ص ۶۴.

^۲ عزیزاده موسوی، سیدمهدی. (۱۳۹۱) جریان شناسی سلفیان و وهابیت و نقش آنان در جهان اسلام، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، ص ۸۵.

سلفی های سروری قائل به اصلاحات در بیرون هستند. اولویت آن ها پالایش سنت نیست. می گویند ما سنت را داریم متنها با سلاح و ترور مخالف هستند. اینکه سلاح به دست بگیرد علیه ولی الامر را رد می کنند. می گویند با نصیحت و تمرکز بر آموزش باید نسلی از جوانان را تربیت کنید که اگر این ها براساس کتاب و سنت تربیت صحیح شدند خودبخود اصلاحات در بیرون اتفاق می افتد و نظام هم صالح می شود. تمرکز آن ها بر آموزش است.

محمدبن سرور کتابی دارد به نام «جاء دورالمجوس» یعنی هنگامه مجوسیان فرارسید. این کتاب در نقد شیعیان نوشته شده. چه زمانی نوشته شده؟ بعد از انقلاب اسلامی. انقلاب شکل می گیرد. یک گروه شیعه قدرت را به دست می گیرند. از آن طرف هم افغانستان اشغال می شود و یک کشور اسلامی با بحران روبرو می شود. داخل خود عربستان هم الصحوه الاسلامیه یا بیداری اسلامی شکل گرفته. بیداری اسلامی به همه جریان های منتقد وضع موجود می گفتند. به سروری ها، جهادی ها و تمام کسانی که به نحوی به وضع موجود منتقد بودند جریان صحوه می گفتند. این ها هم شکل گرفته. محمد قطب برادر سید قطب هم به عربستان آمده و مشغول تدریس شده. تلفیقی از این آموزه ها ذهنیت محمدبن سرور را شکل می دهد. کتاب را در واقع برای پاسخ دادن به جوانانی می نویسد که می پرسند این چه وضعی است که ما داریم؟ شیعیان صاحب حکومت شدند اما ما صاحب حکومت نشدیم. در واقع این بحرانی که هم به نحوی بحران هویتی است و هم به نحوی بحران سیاسی است شکل گرفته. «و جاء دور المجوس» به نحوی پاسخ گفتن به این بحران است.^۱

ارتباط نو سلفیه با حکومت اسلامی و اسلام سیاسی

در ارتباط با اندیشه سیاسی و دیدگاه سلفی ها درباره حکومت اسلامی آنچه اهمیت می یابد، شاخصه هایی چون نوع و جنس حکومت، حزب و رقابت سیاسی و نقش و جایگاه امت و ملت در حکومت است.

درباره نوع و جنس حکومت، سلفی ها تلاش دارند با انقلاب به سرعت جامعه کافر شده را به جامعه ای مسلمان تبدیل و حکومت اسلامی را با جهاد مداوم احیا کنند. آنان به طور معمول با رهبر (ولی امر) خود بیعت می کنند و عملاً نوعی خلیفه گری کوچک شده را به نمایش می گذارند. اوج این نوع رفتار را میتوان در بیعت گروه های مختلف جهادی و تکفیری در سراسر جهان عرب با "اسامه بن لادن"، رهبر تشکیلات القاعده مشاهده کرد. در حالی که اخوانی ها در این قضیه بر تغییر آرام جامعه و به دور از خشونت و در واقع بر ارشاد تکیه می کنند.

حزب و رقابت سیاسی

یکی دیگر از مباحث مهمی که در اندیشه سیاسی، گروه های اسلامگرای سلفی را به خود مشغول کرده، مسئله حزب و کثرت گرایی است. اگرچه دیدگاه های سلفی چندان تفاهم و توافقی با حضور و نقش آفرینی احزاب

^۱ علیزاده موسوی، سیدمهدی. (۱۳۹۱) *جریان شناسی سلفیان و وهابیت و نقش آنان در جهان اسلام*، مرکز بین المللی مطالعات صلح، ص ۵۲.

در حکومت اسلامی ندارد، اما گذر زمان و مقتضیاتش سبب شده، زاویه دید برخی گروه‌های سلفی، از جمله جماعت اخوان المسلمین به تکثر در جامعه اسلامی تغییر کند، بگونه‌ای که عملاً موافقت خود را با کثرتگرایی و تحزب در جامعه اسلامی اعلام کرده است. برخلاف جماعت اخوان، گروه‌های جهادی و تکفیری از اساس مفهوم تحزب و کثرتگرایی را در جامعه اسلامی و حکومتداری رد می‌کنند.^۱

سلفی‌های جهادی و تکفیری و در رأس آنها سازمان القاعده با تفسیر خاصی که از دموکراسی و تکثر ارائه می‌دهند، آن را مطلقاً خلاف شرع می‌دانند و بدین علت با هرگونه تحزب و آزادی بیان به شدت مخالف هستند.

نقش و جایگاه امت و ملت

سلفی‌ها در آغاز چندان اهمیتی به مفهوم و جایگاه امت و ملت نمی‌دادند و همواره بر مفهوم امت در مقابل ملت‌گرایی و ملی‌گرایی تأکید می‌ورزیدند. آنها ملت‌گرایی و ملی‌گرایی را مفهومی وارداتی و غربی می‌دانند که مخدوش‌کننده قوام امت اسلامی است و آن را نشانه جاهلیت تلقی می‌کنند. اخوانی‌ها مفهوم امت را پررنگ‌تر از مفهوم ملت دنبال کرده‌اند، اما می‌توان رگه‌هایی از ملی‌گرایی عربی را در دیدگاه‌های سرکردگان آنها یافت.

گروه‌های سلفی جهادی تکفیری تمرکز خود را بر مفهوم امت اسلامی و دارالاسلام معطوف کرده‌اند و همانطور که گفته شد در ذات فکری گروه‌هایی همچون القاعده چیزی به عنوان تکثر جایگاهی ندارد، خواه این تکثر در عرصه ذهن و بیان باشد یا در صحنه دیانت یا دولت ملت.

تکفیر و تکفیرگرایی

در یک نگاهی کلی باید گفت، جماعت اخوان المسلمین به هیچ وجه خواهان درگیر شدن در ادبیات تکفیرگرایانه نیست و تمام تلاش خود را می‌کند که در جامعه و با جامعه مسلمان (ولو جاهلی و آلوده به برخی مسائل کفرآمیز) کار و فعالیت کند و راه اصلاح تدریجی جامعه را برگزیند. برخلاف آنان، جماعت‌های تکفیری جهادی به رهبری القاعده از تکفیر برای توجیه اعمال خود علیه دیگران بهره می‌برند و تلاش دارند، به طوری گسترده از این واژه و مفهوم فقهی برای توجیه جهاد خود علیه دیگران (مسلمان و غیرمسلمان) بهره‌برداری و بدین ترتیب، مرز بین خودی و غیرخودی را مشخص کنند. از همین زاویه، ایدئولوژی جهادگرایی در متن و بطن ادبیات تکفیری القاعده، راه خود را از سلفی‌های اخوانی جدا و نگاهی متفاوت به جهاد ایجاد می‌کند.^۲

جهاد و جهادگرایی

سلفی‌ها در نظرهای فقهی مرتبط با جهاد و تکفیر به روشنی جهاد را علیه کفار، منافقین و مشرکین واجب دانسته و خون آنها را حلال شمرده است.

^۱ علیزاده، پیشین، ص ۵۴.

^۲ روآ، البویه. (۱۳۷۷). «از اسلام ایدئولوژیک تا ملی‌گرایی اسلامی در خاورمیانه»، ترجمه محمداسماعیل صادقی، ماهنامه اسلام و غرب، سال ۳، شماره ۷ و ۸، ص ۳۱.

جماعت اخوان به رغم تأکید بر مفهوم جهاد، مخالف خشونت عربان است و تلاش دارد جهاد را در مفهوم عمومی آن یعنی تلاش و کوشش در راه خدا (به هر وسیله و در هر شرایطی نه فقط با تکفیر و نبرد) تفسیر و بدان عمل کند.

اما جهاد از نظر جماعت‌های سلفی تکفیری، به ویژه سازمان القاعده، چیزی بیش از یک حکم فقهی فرعی است. آنان معتقدند، جهاد، جنگ و ترور دشمنان خدا امری ضروری و تکامل بخش دعوت مسالمت‌آمیز به تشکیل حکومت اسلامی است.

جهاد در ایدئولوژی القاعده از اهمیتی والا برخوردار است و برخلاف اخوان که اصلاح و اعتدال را عنصر کلیدی می‌داند، سلفی‌های جهادی تکفیری یکی از مهمترین و کلیدی‌ترین مفاهیم ایدئولوژی خود را عنصر جهاد و حتی بعضاً آن را از واجبات اسلامی دیگر مهمتر می‌دانند.

"ایمن الظواهری" و "ابو مصعب الزرقاوی" مهمترین و شاخص‌ترین افرادی هستند که نسبت به مسلمانان دیگر که با عقاید القاعده همراهی نمی‌کنند، اعلام انزجار و در مواردی علیه آنان اعلام جهاد کرده‌اند.

اسلام سیاسی مبتنی بر امامت

حاکمیت امامت و ریشه جنبش‌های شیعی در اسلام سیاسی

تقریرات حاکمیت امامت:

نظریه‌های نظام سیاسی شیعه به لحاظ نظری بر «اندیشه امامت و ولایت» استوارند. اهتمام شیعه در حفظ و توسعه این مفهوم موجب شده است که در طول تاریخ اسلام، مجموعه نسبتاً منسجمی از استدلال‌های عقلی، نقلی و تاریخی در توجیه و تبیین مشروعیت نظام سیاسی شیعه فراهم شود. چنان که بسیاری از پژوهشگران اندیشه‌های اسلامی تأکید کرده‌اند، «امامت» تنها اصل اساسی است که شیعیان (دوازده امامی) را از دیگر فرقه‌های اسلامی متمایز می‌کند. شیعیان بر خلاف اهل سنت، به مسئله امامت چونان رکن اساسی دین و جزئی از اصول مذهب می‌نگرند. به اعتقاد شیعه، امامت منصبی الهی است که خداوند با توجه به علم خود درباره شرایط و نیازهای بندگان و همانند پیامبر تعیین می‌کند و ضمن آنکه پیامبر را موظف به راهنمایی امت به سوی امام نموده، مردمان را نیز مکلف به پیروی از او می‌کند. تفاوت امام با پیامبر تنها در این است که بر امام همانند پیامبر وحی نمی‌شود، بلکه احکام الهی بر او القا و الهام می‌شود. پس پیامبر مبلغ و پیام رساننده از جانب خداست و امام نیز از طرف پیامبر؛ و سلسله امامت تا امام دوازدهم ادامه دارد و همواره امام قبلی بر امام بعدی تصریح و توصیه نموده‌اند و شرط و تأکید کرده‌اند که همه آنان همچون پیامبر معصوم هستند.

این تقریری است که تا آغاز دوران غیبت کبری امام دوازدهم (عج) هیچ یک از مکاتب اندیشه‌ای شیعه در آن اختلافی ندارند. از این تاریخ تا تشکیل دولت شیعی صفوی در قرن دهم با یک خلأ نظریه پردازی مسنجم روبرو هستیم؛ هر چند در همین دوره شش قرن، به تدریج مبانی سلوک شیعه و نسبت آن با حاکمیت‌های مستقر در آرا و رفتار سیاسی بزرگانی نظیر خواجه نصیر و علامه حلی در قالب الگو و مدلی قابل تعریف

^۱ جعفریان، رسول، حیات فکری سیاسی امامان شیعه، ج ۲، قم: انتشارات انصاریان، ۱۳۷۶، ص ۵۵.

می‌شود. با برپایی دولت صفوی، به تدریج شاهد شکوفایی اندیشه سیاسی شیعه در آرای اندیشمندان سیاسی بزرگی نظیر مرحوم محقق کرکی (ره) در این دوره هستیم. البته در این دوران درگیری فکری دیگری نیز به نام اختلاف مشرب فقهی و اجتهادی با مشرب اخباریگری در حوزه اندیشه شیعی پیش آمد که امکان نضج جدی اندیشه سیاسی و هم چنین سایر مباحث کلامی و فقهی را سلب می‌نمود. اخباریون یک جریان نیرومندی بودند که در واقع نزدیک بود چراغ عقل را در میان تشیع را خاموش کنند و اگر آن جریان ادامه پیدا می‌کرد، بزرگ‌ترین امتیاز تشیع یعنی اجتهاد و اتکا به تفکر و عقل و اندیشه در استنباط احکام شرعی از میان می‌رفت.

اصول حاکم بر اسلام شیعی مبتنی بر امامت

بررسی‌ها نشان می‌دهد که به حاشیه رفتن تفکر اخباریگری اتفاق مهم در حرکت جدید نظام فقهی شیعی بود؛ که بستر ارائه دیدگاه‌های حکومتی مشخص و تدوین نظریه‌های حکومتی از سوی فقها را مهیا نمود. پرچم دار این حرکت علامه وحید بهبهانی (۱۱۱۷-۱۲۰۵) بود که در برابر اخباری‌گری، توانست تفکر اجتهادی و اصولی، استفاده از عقل و قواعد عقلی، را حاکم کند. از آن پس غلبه و قدرت مکتب اجتهاد تقریباً همه حوزه‌های علوم دینی را در بر گرفت. شکل‌گیری دستگاه‌های رسمی مرجعیت و به تبع آن گسترش نفوذ معنوی و سیاسی مراجع شیعی، در حوزه جغرافیایی خارج از سلطه پادشاهان ایرانی و با استقلال کامل از حکومت‌های وقت، حاصل این اتفاق بود. به طور مثال، فتحعلی شاه برای رسمیت و مشروعیت دادن به قدرتش، هنگام جلوس بر تخت سلطنت از شیخ جعفر نجفی معروف به کاشف الغطاء که از بزرگان فقها در زمان او بود اجازه گرفت و سپس از ملا احمد نراقی (۱۱۸۵-۱۲۴۵) درخواست نمود که رساله علمیه‌ای را تألیف نماید تا به دستورات آن عمل شود. ملا احمد به دلیل تمایل شاه رساله وسیله النجاه را در دو مجلد نوشت و به او هدیه نمود. این دوره سرآغاز شکل‌گیری جدی مباحث مربوط به نحوه اداره سیاسی جامعه است. شاگردان مستقیم و با واسطه مرحوم بهبهانی (ره) نظیر ملا احمد نراقی، صاحب جواهر و شیخ انصاری هر یک به صورت دقیق به تشریح دیدگاه‌های تشیع در مورد دیدگاه‌های مکتب اجتهادی تشیع و اختیارات فقها در مسایل حکومتی پرداختند. تلاش‌های علمی وی در احیای علم اصول در حوزه‌های علمی، شیعی و آزادسازی فکر و اندیشه دینی از قید تحجرگرایی اخباری نقطه عطفی در تاریخ تحول فکری فقها و پویایی فقه شیعی می‌باشد این تحول علمی در سده‌های اخیر بستر مناسبی را برای رشد و تکامل اندیشه سیاسی شیعی و ارائه نظریه‌های سیاسی جدید از سوی عالمان دینی به ویژه فقهای بزرگی چون مرحوم نائینی و امام خمینی (ره) در حوزه مدیریت سیاسی به وجود آورد. بنابراین، اجتهاد اصولی و استنباط عقل‌گرایانه که منشأ آن علامه مجدد وحید بهبهانی است، تأثیر شگرفی در ارائه نظریه‌های فقهی از منابع چهارگانه فقه و غنی‌سازی فقه سیاسی که زیر مجموعه فقه عمومی محسوب می‌شود، داشته است.

تحولات اسلام سیاسی مبتنی بر امامت

اجتهاد به معنای دخالت قواعد عقلی و اصولی در فهم احکام شرعی پذیرفته شد. اهمیت این مسئله از آنجایی نمایان می‌شود که به فقه شیعی قابلیت همراهی با تحولات جدید و پیچیده «زمان و مکان پیش رو» را عطا نمود.

دستاورد دوم نضج این تفکر که کمتر مورد توجه قرار گرفته است، زمینه شکل‌گیری رهبری واحد دینی و سیاسی در جهان تشیع بود. هر چند قبل از آن هم محضر علما محل امید، رجوع و حتی رفع دعاوی بود اما در نگرش اهل حدیثی و اخباری، که صرف حفظ و نقل حدیث برای ارجاعات دینی کفایت می‌کرد، نیازی به رهبری واحد احساس نمی‌شد. با رونق بازار اجتهاد بود که لزوم شکل‌گیری دستگاه اجتهاد محور مرجعیت و تقلید عامه از مجتهد اعلم به صورت جدی و به‌عنوان یک نیاز اساسی مطرح می‌شود. زمینه تشکیل حکومت دینی، تحت نظر ولی‌فقیه، هم بدون تردید ناشی از دو دست‌آورد فوق است. اگر چه برخی از متفکرین اهل حدیث و اخباریون مدافع جدی ولایت فقها بودند، اما تصور تشکیل حکومت دینی، با این عقبه و اعتقاد، که قابلیت همراهی با تحولات پیرامونی را داشته باشد، ممکن نبود. پس از تأسیس این مکتب پیشرو فکری توسط مرحوم وحید، این جریان علمی با ظهور شاگرد مبارز ایشان، مرحوم صاحب جواهر به بلوغ و تکامل می‌رسد. صاحب جواهر در فضای ایجاد شده و مرجعیت عامه‌ای که پیدا کرده بود، به روشنی بحث ولایت فقها را مطرح می‌نماید: «نیابت برای فقها در مواضع بسیاری ثابت است، به طوری که فرقی بین منصب‌های امام گذاشته نشده است، بلکه می‌توان ادعا کرد که این قضیه نزد فقها مسلم بوده است... حاکمیت حاکم در هر چیزی که نیاز به ولایت دارد، چه موارد مالی و چه موارد غیر مالی ثابت است. او به واسطه این دیدگاه فقهی و کلامی، اقامه نماز جمعه را در دوران غیبت برای فقها جایز می‌داند: «پس اشکال و اختلافی نیست در این که مردم باید به فقها در این کار کمک کنند، همچنان که به امام در این قضیه مساعدت می‌نماید. زیرا نماز جمعه از جمله مباحث سیاسی دینی است که به تنهایی تحقق نمی‌یابد مرور دیدگاه‌های وی تأثیرگذاری بدون شک و شبهه این فقیه مبارز در دوره‌های بعدی و کنونی؛ و در آرای اندیشمندان بزرگی نظیر امام خمینی (ره) را نشان می‌دهد. آنجایی که ایشان می‌فرماید: اتفاق اصحابنا علی ان الفقیه العادل الامین الجامع لشرائط الفتوی المعبر عنه بالمجتهد فی الاحکام الشرعیه نائب من قبل ائمه الهدی علیهم السلام فی حال الغیبه فی جمیع ماللنیابه فیه مدخل.

تأسیس نظام جمهوری اسلامی در ایران، تحقق عملی اندیشه سیاسی شیعه و حاکمیت امامت و مبانی آن

حقوق عملی اندیشه سیاسی شیعه و حاکمیت امامت

نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه، نخستین بار در اندیشه سیاسی شیعه، همراه با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به رهبری امام خمینی (ره) تحقق عملی یافته است و آثار و پیامدهای گسترده‌ای در تاریخ اندیشه و حیات سیاسی شیعه بر جای نهاده است. همه نظریه‌های فقهی درباره جمهوری اسلامی، از تعریف ولایت فقیه، مبانی مشروعیت، و حدود اختیارات فقیه حاکم در نظام جمهوری اسلامی آغاز شده است. ولایت فقیه اساس نظم سیاسی دوره غیبت در دستگاه فکری امام خمینی (ره) است.^۱ به نظر ایشان، «در عصر غیبت ولی عصر (عج) نایبان آن حضرت که فقیهان جامع‌الشرایط برای فتوا و قضاوتندد جانشین آن

^۱ معموری، علی. نظریه سیاسی شهید صدر، قم: انتشارات اشراق (دانشگاه قم)، ۱۳۷۹، ص ۷۷.

حضرت در اجرای سیاسات و مسائل حکومتی و سایر امور مربوط به امام معصوم (به جز جهاد ابتدایی) هستند» در اندیشه سیاسی امام، تشکیل حکومت اسلامی و حفظ آن مقدم بر همه احکام است، زیرا حکومت ضامن اجرای احکام و مشروعیت همه ارکان حاکمیت به حضور ولی فقیه، نایب عام امام معصوم است. در اندیشه امام مسموع نیست گفته شود که شارع مقدس برای سرپرستی داریی ناچیز چند کودک بی سرپرست و یا دیوانه، کسی را بر گمارده باشد و راضی به رها کردن و تباه شدن آنها نباشد و برای پایان دادن به اختلاف‌های خانوادگی بر سر ارث و مانند آن، برای دوران غیبت، تکلیف را روشن کرده باشد، اما برای حکومت و اداره جامعه و اجرای قانون‌ها و حدود و احکام سیاسی، اقتصادی فرهنگی و نظامی، اهمیتی قائل نباشد و به جریان داشتن و نداشتن آنها بی توجه باشد یا اجرای آنها را بر عهده افراد ناآگاه از اسلام، غیرمتمهد در برابر ارزش‌ها واگذار کرده باشد. اینجاست که اگر هیچ دلیل لفظی و اجماع معتبری پیدا نکنیم و حتی اگر دلیل لفظی برخلاف پیدا شود، به حکم عقل قطعی، بر اساس روح کلی حاکم بر احکام الهی و شناخت فلسفه دین و آشنایی با مذاق شریعت و ضرورت فقه، ولایت فقیه را در اداره جامعه، با همه شئون گسترده‌اش خواهیم پذیرفت و به استواری و بایستگی آن حکم خواهیم کرد، به همان معیار و برهانی که فقها به ثابت بودن مقام فتوا و قضا ولایت حسبه برای فقیه، حکم جزمی کرده‌اند، با این که اعتراف دارند دلیل لفظی معتبری وجود ندارد و اگر دلیلی بر خلاف باشد آن را توجیه و تأویل می‌کنند.

مبانی امامت در حکومت اسلامی شیعی

در اندیشه امام، حکومت اسلامی، حکومت قانون الهی است، «پس حاکم اسلامی باید دو صفت داشته باشد که آن دو، اساس حکومت قانونی است و بدون آن دو، حکومت قانونی معقول نیست. یکی از آن صفات علم به قانون [دانش فقه] و دیگری عدالت است» [۱۴] با تکیه بر چنین دیدگاهی است که در اندیشه سیاسی امام، «فقه تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تاگور است» [۱۵] بدین لحاظ نظریه امام خمینی (ره) که اکنون با عنوان جمهوری اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه شناخته شده است ساختار و چارچوب ویژه و منحصر به فردی دارد. در اندیشه سیاسی امام، مفاهیم «مدرن» در استخدام اندیشه دینی در آمده است. شکل حکومت جمهوری و محتوای آن اسلامی است. اندیشه‌های سیاسی امام نقطه اوج اندیشه توسعه یافته حکومتی شیعی است که عملاً دیگر اندیشمندان هم مبنای فرصت چنین توسعه ای را در ساحت اندیشه سیاسی پیدا نکرده‌اند. ولایت «فقیه عادل» در عصر غیبت، کلیدواژه اندیشه سیاسی امام است. امام خمینی می‌فرماید: «اکنون که دوران غیبت است و از طرفی بنا است احکام اسلامی اجرا شود و از سوی دیگر از طرف خدای متعال کسی برای اجرای احکام تعیین نشده است، تکلیف چیست؟» و سرانجام پس از بررسی این موضوع چنین نتیجه می‌گیرد که «خداوند خاصیت حکومتی را که از صدر اسلام تا زمان حضرت صاحب (ع) موجود بود برای غیبت هم قرار داده است. این خاصیت که عبارت از علم به قانون و عدالت باشد در عده بی شماری از فقهای عصر ما موجود است، اگر با هم اجتماع کنند می‌توانند حکومت عدل عمومی در عالم تشکیل دهند» [۱۶]. که «ولایت فقیه یک امر اعتباری عقلایی است و تمام اختیاراتی که پیامبر و ائمه برای اداره جامعه داشته‌اند برای فقیه جامع‌الشرایط نیز ثابت است و این ولایت «واقعیتی جز جعل ندارد» و فی حد ذاته شأن و مقامی نیست بلکه وسیله انجام وظیفه اجرای احکام است».

نتیجه گیری

در اسلام سیاسی مبتنی بر امامت غلبه تفکر اصولی بر تفکر اخباریگری محصولات درخشانی را برای اندیشه سیاسی تشیع و نظریه‌های حکومتی آن به دنبال داشت. اولاً، به اندیشه سیاسی شیعه توان همراهی و هضم تحولات جدید بر اساس مقتضیات زمان و مکان را اعطاء می‌کرد؛ همان‌طوری که در دوره بعد، بلافاصله در خصوص آموزه‌های جدید غربی، ظرفیت بالای اندیشه شیعی را نشان داد. ثانیاً، زمینه شکل‌گیری رهبری واحد دینی و سیاسی در جهان تشیع را در قالب دستگاه مرجعیت تقلید فراهم کرد. برگزیدن شکل جمهوری و دموکراسی توسط امام برای حکومت دینی، یک امر تزئینی و زینتی نبوده است. اندیشه سیاسی تشیع در آخرین دوره خود که نماینده و سمبل آن امام خمینی (ره) است به حضور مردم جهت مقبولیت نظام اسلامی اعتقاد راستینی دارد و از مؤلفه‌های اساسی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی، اعتقاد به همراهی و حضور مردم برای تحقق حکومت است. تاریخ انقلاب اسلامی گواهی می‌دهد مشی مبارزاتی امام راحل در ایام قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، پرهیز از اقدامات کور و مسلحانه، و در مقابل تأکید بر روشنگری و آگاهی مردم است. رهبر فرزانه انقلاب اسلامی نیز در تداوم اندیشه سیاسی امام راحل، ضمن بسط و تشریح نظام مردم‌سالاری دینی، بر حضور مؤثر و مقبولیت‌بخش مردم تأکید راستین دارند. با همین شکل کلی که قانون اساسی برایش معین کرده تحقق پیدا می‌کند یعنی نظام اسلامی بعد از آن که نظام اسلامی پیش آمد نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی می‌رسد یا به تعبیر روشنتر، تشکیل منش و روش دولت‌مردان - یعنی ماها - به گونه‌ای اسلامی چون این در وهله اول فراهم نیست به تدریج و با تلاش باید به است، تطبیق کنند یا چنان افرادی - اگر هستند - سر کار بیایند یا اگر ناقصند خودشان را به سمت کمال در آن جهت حرکت دهند و پیش ببرند. متعاقباً در خصوص اسلام سیاسی مبتنی بر جریان‌های نو سلفیه باید اذعان داشت: اسلام سیاسی و احیاء گری سلفی اندیش که بعد از الغای خلافت به تدریج در مصر و شبه قاره و جاهای دیگر و با شعار بازگشت به هویت اسلامی و به تدریج با ترویج اندیشه اجرای شریعت و یا حاکمیت الله شکل گرفت در جریان سلفی سده نوزدهم ریشه دارد که می‌دانیم تا اندازه زیادی متأثر از جریان محمد بن عبد الوهاب و وهابیت بود البته سلفی گری در دو سده گذشته و به ویژه در پنجاه سال اخیر تحولات زیادی داشته و گروه‌های مختلفی خود را در میان اطیاف مختلف سلفی باوری قرار می‌دهند. گروهی محافظه کارتر و گروه‌هایی رادیکالتر. آنچه مسلم است این است که اسلام سیاسی و احیاء گری اسلامی در طول هشتاد سال گذشته با توجه به بسترهای مناسب سیاسی و اجتماعی و تاریخی موفق شده است جهانی‌بینی جدیدی را از اسلام و شریعت و نسبت دین و دولت در کشورهای اسلامی تزریق کند که به کلی با آنچه در سنت اسلامی با آن آشنا هستیم بیگانه است. تفسیر آنان از اسلام و جهانی‌بینی خاصی که از آن تحت عنوان نظام کامل اسلامی سخن می‌رانند گرچه در مفردات از الفاظ و اصطلاحات و منابع سنت اسلامی استفاده می‌کند اما بار معنایی و ترکیبی کاملاً جدیدی به آن مفردات داده و در واقع گسستی را با سنت ایجاد کرده است. لازم به ذکر است مواضع و دیدگاه‌های گروه‌های سلفی از نخستین روزهای شناسایی این جماعت‌ها تا عصر حاضر، با توجه به شرایط زمانی و مکانی یا الزامات سیاسی اجتماعی، در معرض تغییر و تحول بوده و گاه این دگرگونی‌ها موجب تعارضات جدی میان اعضای گروه‌های سلفی در جهان اهل سنت شده است. این نکته شامل عقاید و آرای سیاسی جماعت اخوان‌المسلمین به عنوان یکی از سرچشمه‌های مهم زایش گروه‌های سلفی جدید نیز می‌شود.

از بدو تأسیس جماعت اخوان‌المسلمین و پس از مرگ مؤسس آن دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی و در برخی موارد اعتقادات مذهبی جماعت دچار تحول شده است. این تحولات به جدایی افراد و ایجاد انشعاب‌های گوناگون در جماعت انجامیده است. بدین ترتیب، گروه‌ها و افراد تندروتر و بنیادگراتر در جامعه آزاد شدند و به تدریج جماعت‌های جهادی کوچک و بزرگی همچون جماعت "جهاد اسلامی" در مصر شکل گرفتند.

این جماعت‌ها و گروه‌های سلفی که مشخصه اصلی آنها جهادگرایی و تکفیرگرایی بود، بعدها هسته و پایه اصلی بزرگترین گروه سلفی جهادگرا در جهان به نام "سازمان القاعده" را تشکیل دادند. از آنجا که فکر و اندیشه عامل انگیزه بخش مهم برای هر حرکت و جنبش اجتماعی است، بررسی اندیشه سیاسی سلفی‌ها از اهمیتی خاص برخوردار است.

منابع

۱. علیزاده موسوی، سیدمهدی. (۱۳۹۱) *جریان شناسی سلفیان و وهابیت و نقش آنان در جهان اسلام*، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
۲. برجی، یعقوب علی. ولایت فقها. تهران. انتشارات سمت. ۱۳۸۵.
۳. پولادی، کمال. تاریخ اندیشه سیاسی در ایران و اسلام. تهران: نشر مرکز. ۱۳۸۵.
۴. جعفریان، رسول، حیات فکری سیاسی امامان شیعه، ج ۲، قم: انتشارات انصاریان. ۱۳۷۶
۵. روآ، الیویه. (۱۳۷۷). «از اسلام ایدئولوژیک تا ملی‌گرایی اسلامی در خاورمیانه»، ترجمه محمداسماعیل صادقی، ماهنامه *اسلام و غرب*، سال ۳، شماره ۷ و ۸.
۶. سعید، بابی. (۱۳۷۹) *هراس بنیادین: اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی*، ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، انتشارات دانشگاه تهران.
۷. سید نژاد، سید باقر. (۱۳۸۹). «سلفی‌گرایی در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه *مطالعات راهبردی*، سال سیزدهم، شماره اول، بهار، مسلسل ۴۷.
۸. علیزاده موسوی، سیدمهدی. (۱۳۹۱) *جریان شناسی سلفیان و وهابیت و نقش آنان در جهان اسلام*، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
۹. معرفت، محمد هادی. ولایت فقیه. قم: مؤسسه فرهنگی تمهید. ۱۳۸۷.
۱۰. معموری، علی. نظریه سیاسی شهید صدر، قم: انتشارات اشراق (دانشگاه قم). ۱۳۷۹.
۱۱. هریر دکمجیان. (۱۳۹۰) *اسلام در انقلاب: جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب (بررسی پدیده بنیادگرایی در اسلامی)*، ترجمه حمید احمدی، تهران: کیهان.